

سلسله همایش های  
توسعه و عدالت آموزشی (۱)

# عدالت آموزشی و کودکان مهاجر



اولین سالگرد فرمان مقام معظم رهبری  
در خصوص عدالت آموزشی برای کودکان مهاجر

دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ۹۵، دانشگاه صنعتی شریف



دانشگاه صنعتی شریف



مرکز تحقیقات  
آموزشی و توسعه  
حامیان فزوا



مرکز تحقیقات  
آموزشی و توسعه  
توسعه عدالت آموزشی

## توسعه عدالت آموزشی

حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی):

هیچ کودک افغانستانی، حتی مهاجرینی که به صورت غیرقانونی و بی مدرک در ایران حضور دارند، نباید از تحصیل بازمانند و همه آن‌ها باید در مدارس ایرانی ثبت نام شوند.



همایش عدالت آموزشی و کودکان مهاجر

# قدرت نرم ایران در توسعه عدالت آموزشی است

عباس ملکی

دانشیار دانشکده مهندسی انرژی در دانشگاه صنعتی شریف

مهم‌ترین بخشی که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد شکست چرخه فقر است. فقری که از پدر و مادر به فرزندان انتقال پیدا کرده و از آن‌ها به نسل بعد منتقل می‌شود. بررسی این مساله که در اسلام تا چه اندازه روی کارکرد عدالت اجتماعی تاکید شده است بسیار موضوع مهم و پیچیده‌ای است.

نکته دیگر قدرت نرم و قدرت سخت است. در سال ۲۰۰۷ که به تازگی اندیشه قدرت نرم و قدرت سخت شکل گرفته بود، در دانشگاه هاروارد دوستی داشتم که می‌خواست در مورد این مساله بنویسد، وی در آن زمان معتقد بود بعضی کشورها دارای قدرت نرم هستند مانند هند. اسم این کشور را که می‌شنویم یک کشور مستبد در ذهن نمی‌آید بلکه کشوری به ذهن متبادر می‌شود که تا اندازه‌ای در آن صبر و بردباری وجود دارد و این قدرت نرم است. وی معتقد بود قدرت نرم شرکتی هم می‌توانیم داشته باشیم مانند شرکت سونی. عکس‌هایی وجود دارد از رهبران دنیا که در کنارشان رادیو سونی است مانند حضرت امام خمینی (ره). در واقع این قدرت نرم شرکت سونی را نشان می‌داد. قدرت نرم ایران در آموزش است. ما بسیار اشتباه کرده‌ایم و باید این را تصحیح کنیم. تعداد کسانی که خارج از ایران در دانشگاه‌های ایرانی تحصیل می‌کنند بسیار کم است. درحالی که شما در هر کشوری تحصیل کرده باشید بدون این که متوجه باشید، ناخودآگاه نسبت به آن سمپاتی خواهید داشت. این که کودکان افغانستانی در ایران تحصیل کنند بهتر است یا در طول روز بدون کار و تحصیل در داخل کشور سرگردان باشند؟

ایران حوزه تمدنی است که فراتر از مرزها است و نفوذ زبان و فرهنگ ایرانی در خارج از مرزها بسیار چشمگیر است. چند سال پیش رادیو بی بی سی برای افغانستانی‌ها شب شعری گذاشت که سه نفر برنده شدند و دونفرشان تحصیل کرده ایران بودند و البته در حوزه‌های علمیه ایران درس خوانده بودند. آن‌ها برای یادگیری علوم دینی ناگزیر بودند با زبان ایرانی آشنایی پیدا کنند و بدین واسطه با شعر و فرهنگ ایرانی ارتباط پیدا کردند و بعد از بازگشت به کشورشان، فرهنگ ایرانی را با خود به یادگار برده بودند. به نظر می‌رسد آموزش و پرورش بسیار پتانسیل‌هایی دارد که می‌تواند بهتر از این که هست کار کند و البته بهترین بخش آموزش همان دوران کودکی است.



# نقش آموزشی پیامبران مبنای نظری دستور رهبری (حق تحصیل کودکان مهاجر) است

حجت الاسلام و المسلمین سید ابومحمد مرتضوی

رئیس دبیرخانه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور دانشجویان ایرانی خارج از کشور



در سالگرد فرمان مقام معظم رهبری برگزاری این نشست ایده بسیار قابل تاملی بود که قابل تقدیر و تحسین است. مساله آموزش مهاجران خارج از کشور و بویژه برادران افغانستانی که گسترده ترین مهاجران در کشور ما هستند اهمیت بسیاری دارد. اما مبانی نظری این دستور برآمده از نقش اسلام و بخصوص پیامبر اکرم (ص) در تحول علم است. به عنوان مقدمه این سوال مطرح می شود، آیا می توان نقش پیامبر و اسلام را از تحولات فرهنگی و علمی جهان حذف کرد؟ شاید هم کسانی به خودشان اجازه بدهند و این کار را انجام دهند اما واقعیت این است، در این صورت یک تاریخ ناقص از جهان را ارائه می کنند.

تاثیر اسلام بر تحول در علم قابل انکار نیست. آیا جز پیامبر کسی توانسته به خوبی و به دقت نقش پیامبر را در مورد علم، اجتماع، جهان و دیدگاه بیان کند؟ امام علی (ع) در نهج البلاغه، خطبه نود و پنجم روی دو نکته اساسی دست می گذارند و می فرمایند: اگر کسی جهان آن روزگار را بخواهد خوب مورد کنکاش قرار دهد متوجه می شود افراد در آن زمان در وادی حیرت گمراه بودند. یعنی شاید بدترین لحن و سخت ترین جراحی که یک جامعه می تواند داشته باشد وادی حیرت و سرگردانی است. فردی را در نظر بگیرید که از کودکی در یک خانواده های غیر از خانواده خودش بزرگ شود. به مهد و مدرسه و دانشگاه رفته و در رشته مورد علاقه اش تحصیل کرده و بطور کلی مشکلی ندارد و در واقع یک زندگی عادی را داشته است. ناگهان متوجه می شود متعلق به آن خانواده نیست، در این لحظه فرد شوک زده می شود که من چه کسی هستم و هویتم متعلق به کجاست؟ در واقع می گوید ریشه من این نیست و چیز دیگری است. اکنون در روانشناسی اسم این وضعیت را می گذارند بحران هویت. پیامبران کارشان این بوده که با آگاهی دادن و گسترش علم، هویت را به انسان ها ببخشند. امیرالمومنین که به دلیل مثال هایی که استفاده می کنند به سخنوری مشهور هستند، می گویند: افرادی که در یک افق تاریک و در ظلمت برای جمع کردن هیزم می روند، وقتی سیدشان را روی زمین می گذارند تا هیزم جمع کنند نمی توانند تشخیص دهند که این هیزم خوب است یا خیر، از این رو هر آنچه به دستشان می آید داخل سیدشان می ریزند. آدم هایی که در آن تاریخ زندگی می کردند در یک وضعیت بی تشخیص زندگی بودند و نمی دانستند چه چیزی خوب است و چه چیزی بد است. پیامبر آمد تا انسان را از این حیرت نجات دهد و خوب و بد را مشخص کرد.



# توجه به آموزش مهاجرین راه حل دیپلماتیک عدالت آموزشی است

میثم هاشم‌خانی

مدیرعامل موسسه مطالعاتی حامیان فردا



ترکیب فقر آموزشی با فقر درآمدی یکی از مسائل مهمی است که باید به آن توجه شود. اطلاعات پژوهشی نشان می‌دهد اگر یک سطحی از فقر درآمدی با یک سطحی از فقر آموزشی کودکان ترکیب شود احتمال این که آن کودک تا آخر عمر بتواند به بالای خط فقر خود را برساند زیر یک درصد است.

مساله دیگر، حضور درصد بالای مهاجران در ایران است. در بین کشورهای آسیایی بجز لبنان، کشور ایران به نسبت جمعیتش بالاترین درصد مهاجران را دارد. بخش عمده‌ای از این مهاجران از کشور افغانستان هستند. بعد از نا امنی‌هایی که در افغانستان و کم و بیش مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی رخ داد مدتی کشور ایران استقبال بدون نظم و چارچوبی از مهاجران افغانستانی داشت اما بعد از یک مدتی و تقریباً در اوایل دهه هشتاد این مساله تبدیل به یک تنگ نظری بسیار زیادی شد. در سال ۸۹ و ۹۰ برخوردهای بدی در ارتباط با مهاجران افغانستانی رخ داد. این تنگ نظری‌ها در آن زمان صدمات اقتصادی و اجتماعی و حتی امنیتی را به دنبال داشت. برای این که چرخه فقر را در کشور تشدید نکنیم و در واقع مهاجرت به کشور ما باعث تشدید فقر نشود، می‌توان به تجربیات سایر کشورها مراجعه کرد. در سایر کشورها متعارف است تا اصل تابعیت را به آموزش پیوند زنند. در واقع شما وقتی می‌توانید تابعیت کشوری را بگیرید که خوب درس بخوانید و پیشرفت تحصیلی داشته باشید. بحث دیپلماسی با کشورهای هم فرهنگ و هم جوار ایران حول بحث آموزش بسیار اهمیت دارد. یعنی ما در زمینه آموزش تجربیات ارزشمندی داریم. همین می‌تواند بهانه‌ای باشد تا روابط قدرتمند خود را بواسطه انتقال این تجربیات توسعه دهیم. برای مثال تجربیاتی که ما در زمینه حذف شکاف جنسیتی در بحث آموزش داشته‌ایم می‌تواند برای کشورهای همسایه مفید باشد و از سوی دیگر می‌توانیم از تجربیات دیگر کشورها نیز استفاده کنیم. به هر حال این مساله بهانه خوبی است تا پیوند دیپلماتیک پایداری بر پایه فرهنگ و آموزش با سایر کشورها داشته باشیم. نشست می‌تواند به مناسبت سالگرد فرمان مقام معظم رهبری مبنی بر حق تحصیل کودکان مهاجر، توسط دبیرخانه توسعه و عدالت آموزشی با همکاری دانشگاه صنعتی شریف و شبکه کودکان کار و خیابان برگزار شود. در نظر دارد با امضای میثاق نامه‌ای حاضرین را متعهد کند تا اگر سیاست‌گذار است یا تریبونی در دست دارد و یا امکانی دارد، ظرف یکسال آینده تمام تلاش خود را برای بهبود وضعیت کودکان مهاجر در کشور انجام دهند و اگر سال بعد دور هم جمع شدیم بتوانیم جشن بگیریم که گام موثری برداشته شده است.





## حق عدالت آموزشی فراتر از حق امنیت است

محمدرضا واعظ مهدوی

معاون امور آموزشی و فرهنگی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

در کجاست؟ ریشه این نباید در یک مفهوم حقوقی نهفته است. در واقع متخصصین حقوق، حقوق بشر را به سه سطح دسته‌بندی کرده‌اند و بر این سه سطح این روزها تاکید بسیاری می‌شود.

سطح اول حقوق پایه انسان‌هاست. حق حیات، حق آزادی، حق مسکن و این‌ها حقوق سطح اول هستند. نوعا تامین این حقوق سطح اول را دولت‌ها برعهده دارند، بخصوص قوه قضاییه و بخش‌های انتظامی و امنیتی مسئول هستند. هر کجا قرار باشد کسی حیات دیگری را بگیرد باید قانون جلوی آن را بگیرد.

سطح دوم، حقوق بشر است. عبارت است از حقوقی که یک پله بالاتر هستند. این حقوق شامل اموری هستند مثل حق ازدواج، حق سلامت، حق شهروندی و حق آموزش و غیره است. تحقق این بخش از حقوق بر عهده بخش امنیتی نیست بلکه برعهده نظام حکمرانی است. در این حوزه تا حدودی مکاتب تفاوت دارند. برخی در این سطح معتقد به کوچک سازی دولت‌اند. دیدگاه دولت کوچک، از دیدگاهی نشأت گرفته که معتقد است وظیفه دولت اعمال امنیت و سیاست خارجی است و دولت وظیفه‌ای در ازدواج و بهداشت و آموزش ندارد. در واقع آموزش فراتر از حق امنیت است.

سطح سوم حقوق که از این بالاتر است یعنی حق کار شایسته و حق انتخاب شغل و حق این که افراد بتوانند بر اساس کیفیت انتخاب کنند. یعنی غیر از حقوق مادی که در شغل دارند باید امنیت شغلی هم داشته باشند. به هر حال حقوق سطح یک و دو باید فراهم شود.

نشستی که به مناسبت سالگرد صدور فرمان مقام معظم رهبری تشکیل شده است در جهت تعمیم آموزش است. فرمانی که در آن تصریح کرده‌اند هیچ کودک افغانستانی حتی کودک مهاجری که بصورت غیرقانونی و بی مدرک در ایران حضور دارد نباید از تحصیل بازماند و همه آن‌ها باید در مدارس ایرانی ثبت‌نام شوند. در شرایطی که قانون اساسی ما بر موضوع آموزش همگانی و آموزش عمومی تصریح دارد اما یک برداشتی بعضا در محافل انتظامی وجود دارد و این که از یک ابزاری مانند ابزار آموزش یا ابزار بهداشت و درمان برای اعمال قانون استفاده شود. یعنی برای کسانی که حضورشان غیر قانونی است و بدون اجازه وزارت کشور وارد ایران شده‌اند از ابزار آموزش فرزندان‌شان استفاده شود تا این افراد جهت حضور در داخل کشور به دنبال دریافت مجوز باشند. در واقع در بطن این ابزار این است که چون مهاجرین به آموزش فرزندان‌شان علاقه دارند ما جلوی آموزش فرزندان‌شان را بگیریم یا جلوی درمان آن‌ها را بگیریم تا ناگزیر باشند به قانون تمکین کنند.

ما به عنوان متخصصین امور اجتماعی با این مساله موافق نیستیم. در واقع حیطه امنیت و انتظامی و سیاسی یک چیز است و حیطه انسانی و اجتماعی چیز دیگری است. اگر کسی خلافی می‌کند قانون بایستی اعمال شود و هر کسی در کشور است باید مطابق ضوابط شهروندی زندگی کند و مجوز لازم را بگیرد. یک ضابط و مقرراتی بر حضور افراد خارجی در کشور حاکم است که باید رعایت شود و محترم است، اما مسائل درمانی و آموزشی مسائل انسانی است و نباید منعی برای استفاده از ظرفیت‌های انسانی در قبال مهاجرین غیرقانونی وجود داشته باشد. ریشه این نباید





## عدالت آموزشی ستون فقرات عدالت اقتصادی و اجتماعی است

فاطمه قاسم زاده

رئیس هیات مدیره شبکه یاری کودکان کار و خیابان

واقعیت این است که اگر این سازمان‌ها در این امور دخالت نکنند طبیعتاً بسیاری از آن‌ها در حد صحبت باقی می‌ماند و به مرحله اجرا نمی‌رسد. عوامل دیگری که جدای از مسائلی که گفته شد در این امر تاثیر گذار بود مساله تعامل بود. تعامل میان سازمان‌های دولتی و غیردولتی در هر کجا بیشتر بود تعداد ثبت نام‌هایی که انجام می‌شد بیشتر بود.

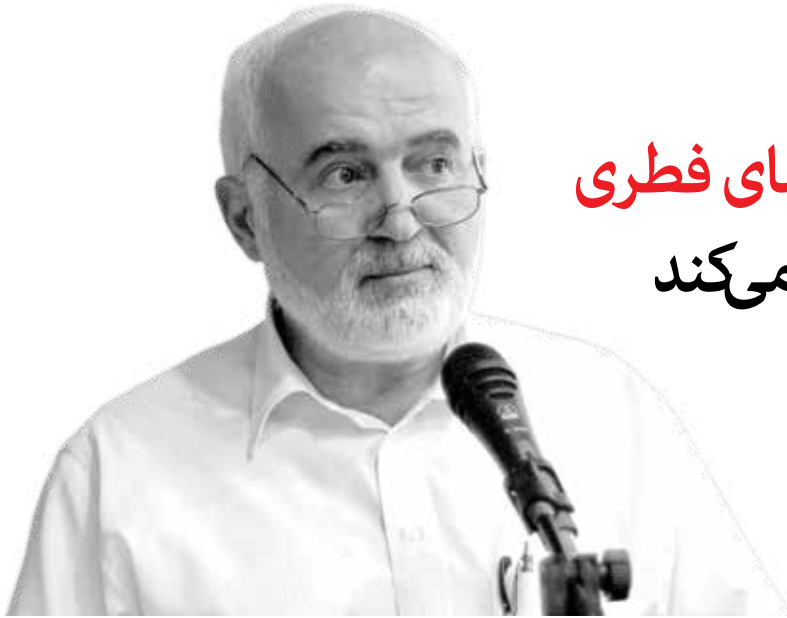
نکته مهم در اجرایی شدن این فرمان این است که جداسازی اتفاق نیافتد. اگر مدرسه‌ای فقط برای دانش‌آموزان افغانستانی ساخته شود خود نیز نوعی تبعیض است و جداسازی رخ می‌دهد اما اگر این مدارس برای کودکانی که مسائل خاصی دارند مانند کودکان کار مورد استفاده قرار بگیرد تاثیر گذارتر است. کودکان کار چون باید به مسائل اقتصادی خانواده خود کمک کنند و نمی‌توانند در هر ساعتی که مدرسه تعیین می‌کند در مدرسه حضور داشته باشند این کودکان به مدرسه‌ای نیاز دارند که تا حدودی انعطاف پذیر باشد و بتوانند ساعاتی این بچه‌ها که می‌توانند به تحصیل بپردازند. ساخت این نوع مدارس اگر به قصد جداسازی کودکان نباشد مانند جداسازی کودکان افغانستانی مهم است.

عدالت آموزشی ستون فقرات عدالت اقتصادی و اجتماعی است و اگر فکر می‌کنیم که بدون پرداختن به عدالت اقتصادی و اجتماعی به عدالت آموزشی می‌رسیم اشتباه است. پیشنهاد می‌کنم از امکانات موجود استفاده کنیم.

در ابتدا بهتر است مروری داشته باشیم بر ۳۰ سال حضور کودکان مهاجر در ایران و فراز و نشیب‌هایی که داشته‌ایم. در همان سال‌های اول بسیاری از سازمان‌هایی که در حوزه آموزش به کودکان مهاجر فعالیت داشتند می‌بستند و حتی مدارس خودگردان و بعد از تحمل این سختی‌ها رسیدیم به جایی که این فرمان صادر شده است و برای همه کودکان مهاجر آموزش به عنوان یک حق در نظر گرفته شده است. چند نکته مهم در این فرمان است. یکی این که تاکید کرده است بر حق آموزش همه کودکان مهاجر چه آن‌هایی که کارت هویت دارند و چه آن‌ها که ندارند و این بسیار دارای اهمیت است زیرا تعداد زیادی از کودکان مهاجر کارت هویتی ندارند. گفته شد که حتما کسانی که کارت هویتی ندارند باید بروند و کارت مخصوص را بگیرند ولی زمانی که برای این اقدام داده شد بسیار کوتاه بود و اطلاع رسانی بدرستی انجام نشد و خانواده‌هایی که این کودکان در آن‌ها بزرگ می‌شوند توانایی این که برای گرفتن کارت اقدام کنند وجود ندارد. در حقیقت تعداد زیادی از این بچه‌ها از برخورداری این حق آموزشی حذف شدند اما کسانی که به مرحله دوم آموزشی رسیدند با کمبود جا مواجه شدند.

به هر حال تا حدود متفاوتی کودکان مهاجر ثبت نام کردند اما هنوز هم بخواهیم مشکلات را بررسی کنیم مساله شهریه است. خانواده‌های این کودکان برای پرداخت شهریه مشکلات بسیاری دارند و البته سازمان‌های غیردولتی به نوعی جبران کردند.





## فساد آموزشی ارزشهای فطری دانش‌آموز را تخریب می‌کند

احمد توکلی

نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، مدیر انجمن «دیدبان شفافیت و عدالت»

فساد را در آموزش اندازه‌گیری کنند. دو دهه است این کار شروع شده است و از سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه کارهایی انجام داده‌اند و یک عیب بزرگی که کمی کردن وسایل آموزشی دارد که ما را از بدترین اثرش غافل می‌کند که همان نگرش جوانان و نوجوانان به نظام ارزشی در جامعه است که همه را بهم می‌ریزد و این فساد که اندازه‌گیری می‌شود از سطح آموزش و پرورش آغاز می‌شود تا سطوح مدرسه و دانش‌آموزان ادامه خواهد داشت. فساد ضد بهره‌وری عمل می‌کند مخصوصاً ضد در بهره‌وری عمومی است. بازتاب آن کاهش کمیت و کیفیت آموزش است که بیشترین تأثیر را بر کودکان فقیر می‌گذارد. تحقیقات نشان می‌دهد فساد بالا و فزاینده نابرابری را تشدید می‌کند. مساله کاهش نرخ رشد و وضعیت سیستم مالیاتی، پایین آمدن خط کارایی اعتبارات اجتماعی و توزیع نابرابر درآمد و دارایی همه باعث می‌شود که فساد فزاینده و نابرابری افزایش پیدا کند و دسترسی به امکانات آموزشی کاهش پیدا کند.

در بخش فساد آموزشی مشکل دیگری هم داریم و این گروه معلمان و آموزگاران که حرمت اجتماعی بالا دارند امکان گفتن این که چنین فساد در سیستم آموزشی وجود دارد را ندارند در حالی که متأسفانه فسادهای این‌چنینی وجود دارد. برای این که این فساد باعث تخریب نظام آموزشی نشود باید از شفافیت دفاع کرد.

فساد، دشمن هر ملتی است چه در آموزش و چه غیر آموزش. حتی خود آموزش هم ممکن است دچار فساد شود و ما چیزی به نام فساد آموزشی هم داریم. فساد آموزشی بچه‌های فقیر را تحت فشار قرار می‌دهد و مشکلات و معضلات بسیاری ایجاد می‌کند. همچنین فساد عمومی هم با افزایش نابرابری منجر به تشدید فقر می‌شود.

چرا فساد آموزشی مهم است. زیرا بدترین نتیجه فساد آموزشی این است که ارزش‌های فطری دانش‌آموز را تخریب می‌کند و او را برای پذیرش ناهنجاری‌هایی که ضد ارزشی هستند آماده می‌کند. از همین حس خطاهای دیگر زاینده خواهد شد. فساد آموزشی از این جهت مهم است که باعث می‌شود منابع به درستی تخصیص داده نشود.

تحقیقات این واقعیت را نشان می‌دهد که فساد فقیر را فقیرتر می‌کند و غنی را غنی‌تر می‌کند به همین دلیل دسترسی به خدمات اجتماعی مانند آموزش و بهداشت و درمان را برای این افراد مشکل‌تر می‌کند. در این روزگار وسایل و تجهیزات آموزشی اگر نباشد کار آموزش به سختی پیش می‌رود و این هم بخشی از فقر آموزشی است و ریشه آن در فقر است که دسترسی به این تجهیزات را محدود می‌کند. برای مثال شیر آبکی به دانش‌آموز داده می‌شود.







## بیشترین اتباع خارجی بی سواد در کشور، افغانستانی هستند

علی باقرزاده

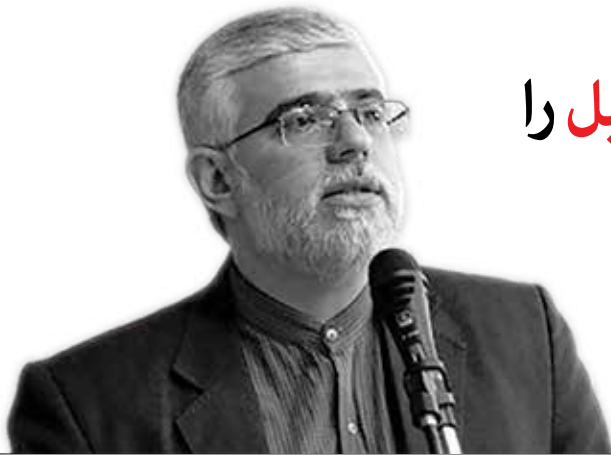
رئیس سازمان نهضت سواد آموزی

بلوچستان با ۶۸ درصد بالاترین رقم بی سوادان را در کشور دارند و بوشهر و کرمان و هرمزگان که عمدتاً محل تجمع نیروی کار هستند در سطوح بعدی این توزیع استانی قرار می گیرند. همچنین استان های ایلام و اردبیل و کردستان و چهار محال و بختیاری از نظر درصد پایین ترین جمعیت بی سواد اتباع خارجی را در خود جا داده اند و وضعیت بهتری دارند.

سازمان نهضت سواد آموزی در طول سال های ۶۳ تا ۹۰ با هزینه کرد حدود ۱/۸ میلیارد دلار، بیش از ۶۸۰ هزار نفر از اتباع خارجی و بخصوص افغانی را تحت پوشش برده و درصد باسوادی آن ها را از حدود ۶ درصد به ۶۲ درصد رسانده است.

وضعیت سواد اتباع خارجی براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ نشان می دهد از مجموع یک میلیون و ۴۳۳ هزار نفر اتباع خارجی ۵۹۰ هزار نفر به عنوان بی سواد نامیده شده اند و بالاترین جمعیت بی سواد در میان اتباع خارجی مربوط به اتباع کشور افغانستان است که جمعیت حدود ۵۰۶ هزار نفری را شامل می شود. در واقع ۴۰ درصد اتباع افغانستانی و ۲۰ درصد اتباع عراقی و ۴۱ درصد اتباع دیگر که در کشور ایران اقامت دارند و اقامت شان ثبت شده است از نعمت خواندن و نوشتن محروم هستند. توزیع استانی درصد بی سوادان اتباع خارجی در استان های کشور ایران نشان می دهد استان سیستان و





# آسیب‌شناسی مهاجران بازمانده از تحصیل را جدی بگیریم

علی محمد زنگانه

مدیر کل پیشگیری‌های فرهنگی و اجتماعی معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه

کسانی که در حوزه کودکان کار و خیابان کار می‌کنند، می‌دانند که در بعضی از استان‌های ما کودکان خیابان عمدتاً متعلق به اتباع بیگانه هندی، پاکستانی و افغانستانی و غیره هستند. بجز تابعیت وقتی بصورت گروهی هم نگاه می‌کنید در جامعه ایرانی هم متعلق به کودکانی است که در بخش آمار کانون‌های اصلاح و تربیت اعلام کردم وضعیت مشابه آن دارند. اگر قرار باشد هیچ دانش‌آموز مهاجری از تحصیل بازماند و هدف‌گذاری برای تحقق این فرمان است باید یک آسیب‌شناسی دقیقی شود تا بتوان تغییر و اصلاح داد.

ما جامعه‌ای داریم که یک‌سری آسیب‌هایی در آن حادث می‌شود. این جامعه مهم نیست که جامعه ایرانی‌ها باشد یا جامعه یک تعداد اتباع خارجی در کشور و هر سیاستی که منجر به کاهش جرم شود حتی در مورد اتباع خارجی در کشور آن سیاست و رویکرد مورد نظر ماست و از آن حمایت می‌کنیم. آمارها نشان می‌دهند در یک استان آمار کانون اصلاح و تربیت آن بیش از ۲۵ درصد ورودی این کانون متعلق به کودکان و نوجوانانی است که بازمانده از تحصیل بودند یا در سنین قبل از دبیریم جزو ریزش‌های نظام آموزش و پرورش بوده‌اند.





## نگاه به مهاجران باید نگاه اجتماعی باشد نه امنیتی

احمد محمدی فر

مدیرکل امور اتباع و مهاجرین وزارت کشور

پنجاهدگان داخل کشور داریم. ما ۴۸ هزار نفر را بر مبنای فرمان مقام معظم رهبری ثبت نام کرده ایم. اگر نیامدند و به دلایلی در مدارس حضور پیدا نکرده اند ولی از جانب حکومت مانعی برای حضور در کلاس های درس نداشته اند. حتی ما مصونیت برای پدر و مادر و خانواده های این افراد اعلام کردیم تا اگر این افراد با پلیس برخورد کردند و همان بر که ثبت نام فرزندشان را نشان دادند پلیس نیابستی با ایشان کاری داشته باشد. در حوزه موسسات مردم نهاد ما این آمادگی را داریم و با وجود اشکالاتی که بعضاً گرفته شده مثل مدارس خودگردان هیچ اشکالی ندارد و ما می توانیم از وضعیت نهضت سواد آموزی استفاده بکنیم و این افراد را وصل بکنیم تا بتوانند از این امکاناتی که در داخل کشور است استفاده شود. موضوع پناهندگان و مهاجرین با یک نگاه اجتماعی نگریسته می شود هر چند ممکن است چالش های امنیتی هم در آن باشد ولی این موضوع امنیتی نیست. در کشور ما هر کسی ورود غیر قانونی به کشور داشته باشد بین یک تا سه سال زندانی می شود در حالی که هیچگاه این جرم را به نسبت این جمعیت غیر مجازی که وارد می شوند صرف نظر از موضوع آموزش و بهداشت واقعا نداشته ایم.

بارها تاکید کرده ایم جمهوری اسلامی ایران ظرفیت پذیرش همین تعداد را در داخل کشور دارد ولی بصورت قانونمند. بسیاری از این کشورها هستند که به مهاجر نگاه اقتصادی دارند و از مجامع بین المللی پول های هنگفتی دریافت می کنند. در هر صورت وزارت کشور این آمادگی را دارد تا موسسات مردم نهادی که علاقه مند هستند در این زمینه حضور داشته باشند شرایط لازم را برای حضورشان فراهم کنیم و انشاءالله مشکلاتشان را بتوانیم برطرف کنیم.

مساله آموزش بسیار موضوع مهمی است. در مساله آموزش مهاجران و پناهندگان باید اشاره کنیم که یک و نیم می لیون نفر تبعه مجاز در کشور داریم و تعداد یک و نیم میلیون نفر حداقل مهاجر غیر مجاز در کشور داریم. این افرادی که غیر مجاز حضور دارند در واقع با زیر پا گذاشتن قانون کشور ما وارد ایران شده اند و باید بگوییم همین کشور افغانستان اگر کسی غیرقانونی وارد کشورش شود ۶ سال زندانی دارد. این درحالیست که ما در برخورد هایمان در ابتدای امر به مساله مهاجران به عنوان یک موضوع ارزشی و یک دیدگاه انسان مدارانه داریم و شاید جالب باشد که بدانید ۱۱ درصد جمعیت کشور افغانستان اکنون در کشور ایران زندگی می کنند.

همچنین حدود ۴۰۰ هزار نفر دانش آموز داریم یعنی چیزی در حدود ۱۰ هزار کلاس درس ۴۰ نفر دانش آموز و این ها مسایلی است که ما با آن درگیر هستیم. ما سه موضوع را در اولویت قرار دادیم. یکی موضوع معیشت که بر همه مسایل مقدم است و دیگری مساله بهداشت بوده و دیگری مساله آموزش است.

این سه تا اولویت ما است و تلاش کردیم اولویت های ما بصورت عمقی در این سه حوزه باشد و ناگفته نماند کمک های بین المللی در این سه حوزه بسیار ناچیز است. ما سه میلیون نفر مهاجر در کشور داریم که اگر هر کدام روزی یک دلار برای کشور ما خرج داشته باشند در سال رقمی بیش از یک میلیارد دلار می شود و در سال کل کمک هایی که سازمان های جهانی داده اند ۲۰ میلیون دلار است و این فاصله رقمی تا کجاست. با این وجود گامی که اخیرا هیات دولت برداشت مبنی بر این که دانش آموزان افغانی مشابه دانش آموزان دیگر هستند این یک گام روبه جلو برداشته شد.

ما حدود ۱۱ هزار دانشجو داریم و حدود ۱۷ هزار فارغ التحصیل میان اتباع و





## در محرومیت نگه داشتن کودکان افغانستانی آن‌ها را به کشورشان باز نمی‌گرداند

مسئله هدف و راه حل داشته باشد. کودکان افغان در ایران کار می‌کنند. این که کودکی که کار می‌کند، حق آموزش ندارد، در حالی که کودکان دیگر حق آموزش دارند، منطقی نیست.

کسانی که اقتصاددان هستند می‌دانند که تنها جایی که در ایران ارزش افزوده واقعی تولید می‌شود، بخش‌های تولیدی است که در آن اتباع خارجی، کودکان و زنان در مشاغل پایین کار می‌کنند. در جایی مانند صنعت خودرو بهره‌کشی انجام نمی‌شود، بیشتر آن رانت است.

در خصوص امنیت نیز برخی نیز این مسئله را مطرح می‌کنند که برخی از این کودکان هدف آموزش ندارند و تنها می‌خواهند کارت دریافت کنند. با تکنولوژی‌های امروزی می‌توان طراحی خوبی انجام داد تا با استفاده از ویژگی‌هایی مانند تصویر چشم، آن‌ها را شناسایی کرد تا مطمئن بود که خدمات به شکل مناسبی توزیع می‌شود.

مسئله ممنوعیت از ورود مهاجران در ۱۶ استان موضوعی است که دائماً زیر پا گذاشته می‌شود، اما کشور همچنان بر اجرای آن اصرار می‌کند. این موضوع تاثیر بدی در روابط ایران و افغانستان دارد و خوب است با افرادی در خارج از دولت نیز در این خصوص رایزنی شود.

هیچ کشوری در دنیا توسعه پیدا نکرده است، مگر آن که دیدگاه منطقه‌ای داشته است. کشور ایران نیز هم مرز آسیای مرکزی است. اگر ایران می‌خواهد توسعه پیدا کند، باید با کشورهای آسیای مرکزی، از جمله افغانستان روابط داشته باشد. بنابراین این در حل این مسئله باید رویکرد استراتژیک داشت.

نکته بعدی آن که به گونه‌ای در این زمینه بحث می‌شود گویا این قانون لطفی به کودکان افغان است. کودکان افغان جزئی از این جامعه هستند، در این جا به دنیا آمده‌اند، زندگی می‌کنند و خیال این که آن‌ها به افغانستان باز خواهند گشت، چندان عقلانی به نظر نمی‌رسد. آن‌ها جزئی از جامعه‌اند و باید از موهبت‌های این جامعه بهره‌مند شوند. باید درس بخوانند، باسواد شوند، مدرسه روند و شغل مناسبی داشته باشند. اگر در آینده یکپارچگی منطقه‌ای حاصل شد و مرزهای ایران و افغانستان حذف شد و اوضاع افغانستان بهبود پیدا کرد و آن‌ها توانستند به افغانستان بازگردند و در آن جا خدمتی کنند، آن هم عالی است! این تصور که مهاجران افغانستانی را محروم نگه داریم تا بازگردند، بیماری فکری است!

در خصوص هزینه‌ها طوری صحبت شد که ایران بسیار هزینه می‌کند و سازمان‌های بین‌المللی نیز کمک نمی‌کنند. این موضوع می‌تواند در سازمان‌های بین‌المللی مطرح شود، اما طرح آن در داخل ایران اصلاً مناسب نیست. ایران باید برای این



## سیستان و بلوچستان پایین‌ترین شاخص سواد و بازماندگی از تحصیل را دارد

با توجه به این‌که استان سیستان و بلوچستان از مناطق ممنوعه اسکان اتباع افغانستانی است اما بالغ بر ۱۳ هزار نفر کودک اتباع خارجه، که ۳ هزار نفر اتباع و ده هزار فاقد مدارک هویتی داریم که در کلاس‌های آموزش ما حضور دارند. با توجه به این‌که محدودیت‌هایی هم وجود دارد اما مطابق ماده ۲۸ کنوانسیون دفاع از حقوق کودک تمام حاکمیت‌ها باید آموزش کودک را به رسمیت بشناسند حتی مشکلات هویتی افراد هم مانع برای تعهد آموزش این کودکان وجود ندارد و بویژه اکنون با فرمان مقام معظم رهبری مبنی بر حق آموزش کودکان مهاجر باعث شده تکلیف بر ما مضاعف و دو چندان باشد.

تدوین و تنظیم ضوابط و مقررات برای استیفای حقوق کودکان مهاجر در ماده ۳۳ و ۴۲ آیین‌نامه اجرایی مدارس نیز به نوعی مساعدت‌کننده است تا بتوانیم فرمان رهبری را ارج بگذاریم.

ما معتقد به مکتب اسلام و پایبند به ارزش‌های اسلامی هستیم، باید قبول کنیم که در هر شرایطی باید پایبند به حقوق ذاتی هر انسانی باشیم. حقوق انسانی مانند بهداشت و آموزش. در بحث آموزش در استان سیستان و بلوچستان که در شاخص سواد و بازماندگی از تحصیل آخرین رتبه را یدک می‌کشد و با تحمل بسیاری از معضلات تلاش کرده‌ایم تا گامی برداریم. البته اقداماتی هم انجام شده است ولی هنوز با میانگین‌ها فاصله داریم. در بحث عدالت آموزشی که امروز در خصوص کودکان مهاجر طرح می‌شود باید فرصت برابر برای کودکان مهاجر فراهم شود. این باید هدف انجمن‌ها سازمان‌ها و کشورهای بین‌المللی باشد.

استان سیستان و بلوچستان با مرز مشترک ۳۰۰ کیلومتری با کشورهای افغانستان و پاکستان و البته عقودی که شکل گرفته به لحاظ سنت‌های قومی قبیله‌ای و ارتباطات نسبی و سببی و همچنین وجود کودکان فاقد مدارک هویتی و فاقد شناسنامه این معضل را در این استان دو چندان می‌کند.





## قانون گذاری برای مهاجرین،

## همانند قانون گذاری در حالت سوم شخص غایب است

بزه و مافیا بررسی می شود. این مسئله هم در آلمان در مواجهه با مهاجرین ترک، سوئد در برابر مهاجرین سوری و انگلستان در برابر مهاجرین الجزایری در نظر گرفته می شود؛ اما آنچه در ارتباط با کشور ایران می بینیم مهم ترین دغدغه مهاجرین مساله شغل است. آمارهای رسمی نشان می دهد استان های مهاجرنشین ما کمترین میزان بیکاری را دارند و از این مسئله غفلت می شود که مهاجرین به دلیل بهره وری کاری بالا، ایجاد برخی از مشاغل را به صرفه می کنند. امروز رونق صنعت سنگ، چرم، کشاورزی، دامپروری، فرش و برخی صنایع کلیدی دیگر کشور، بسته به حضور مهاجرین است. هر چند دولت هزینه های زیادی برای مهاجرین صرف کرده است، اما انکار ارزش افزوده مهاجرین در صنعت، نگاهی یک طرفه به این موضوع است و تحلیل های نادرستی از موضوع به دست می دهد.

مسئله بعدی در خصوص شهریه حضور مهاجرین در مدارس است. حدود ۴۶ هزار دانش آموز مهاجر در سال گذشته ثبت نام کرده اند که تخمین زده می شود این رقم، ۱۱ درصد افراد واجد شرایط طرح است. در بهترین حالت، در مجموع ۱۴ میلیارد تومان از مهاجرین شهریه دریافت شده است که این مبلغ معادل ۰،۰۵۶ درصد بودجه آموزش و پرورش در همان سال است. این رقم در مقایسه با بودجه سالانه آموزش و پرورش بسیار ناچیز است، اما برای اقشار مهاجرین با توجه به شغل ها و درآمدهایشان، بازدارنده از تحصیل فرزندانشان خواهد بود.

مهم ترین مسئله راهگشا برای حل مشکلات مهاجرین، نگاه کردن به مهاجرین به دید یک جامعه است. مهاجرین دارای اقشار مختلف مانند دانشجو، طلبه و کسبه هستند و تصمیم گیری در مورد آن ها با یک آیین نامه و بخشنامه امکان پذیر نیست و به اندازه مردم یک کشور نیاز به قانون گذاری دارند.

نکته دیگر آن که همواره قانون گذاری برای مهاجرین، همانند قانون گذاری در حالت سوم شخص غایب است؛ یعنی در غیاب مهاجرین برای آن ها قانون گذاری می شود که این مسئله تبعات و بازخوردهایی در پی دارد که حتی اصل آن قانون را که فی نفسه قانون مفیدی بوده زیر سوال می برد.

نکته دیگر آن که در مورد قانون گذاری نیازی به اختراع چرخ نیست. ما تنها کشور مهاجرپذیر نیستیم و کشور های زیادی در این خصوص، با رعایت شروط مخصوص به آن کشور، قانون گذاری کرده اند.

مسئله دوم، ادغام و حل شدن جامعه مهاجر و جامعه میزبان است. در این زمینه تجربه ای در استان خراسان داریم. در دولت سازندگی، دولت اجازه ثبت ۴۶ هزار ازدواج بین اتباع ایرانی و اتباع افغانستانی را داد. در آن دوره کشور نیاز به سازندگی داشت و با توجه به بهره وری مهاجرین و این نکته که در همه جای دنیا، مهاجرین مشاغل سخت، خطرناک و کثیف را انجام می دهند، آن زمان برای کشوری که در دوره جنگ بود نیاز بود. در دنیا مسائل مربوط به مهاجرین در سه حوزه خشونت،



## حال عدالت آموزشی در کشور بد است

به این دلیل آن چه ما می‌خواهیم ثبت نام بدون قید و شرط کودکان مهاجر در مدارس است. همچنین حضور مددکاران در مدارس به حل بسیاری از مشکلات ما کمک خواهد کرد. متأسفانه مسئولین آموزشی مدارس آموزش‌های لازم را برای چگونگی برخورد با این کودکان ندیده بودند.

مشکل دیگر ریزش زیاد ثبت نامی‌ها بود. بعد از آن که در بسیاری از موارد با مشکلات بسیار توانستیم عده‌ای از بچه‌ها را در مدارس ثبت نام کنیم و شهریه آن‌ها را تامین کردیم، متأسفانه به دلیل مواجهه با موج تحقیر ترجیح دادند که مدرسه را ترک کنند. راهکار این مشکل تنها در آموزش معلمین و مسئولان مدارس است. بحث دیگر پیمان نامه حقوق کودک است. بر مبنای این پیمان نامه، تعریف آموزش بدون تبعیض آن است که هر کودکی که در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کنند، از حق آموزش برخوردار باشد. از آن جایی که ما این پیمان نامه را امضا کرده‌ایم، موظف به اجرای مفاد آن هستیم. اجرای مفاد آن سنگین نیست و بیشتر به آموزش مربوط می‌شود. همه تغییرات از آموزش آغاز می‌شود. در صورتی که برای آموزش بودجه‌ای صرف شود، این بودجه در واقع سرمایه‌گذاری برای جلوگیری از مشکلات دیگری از جمله بزه و مشکلات مربوط به کانون اصلاح و تربیت است.

بیشتر کودکان مهاجر بدون پدر و مادرهایشان به ایران مهاجرت کرده‌اند. بیشتر این کودکان به دلیل ساعت‌های طولانی کار، توانایی حضور ۵ ساعته در مدرسه را ندارند. طرحی برای آموزش و پرورش نوشتیم که در آن از این وزارت خانه درخواست کردیم که مدارس ویژه کودکان کار طراحی کنند که آموزش در آن دو ساعته باشد. مدرسه‌های ما از ساعت ۷:۵ تا ۹:۵ صبح برگزار می‌شوند. پس از پیگیری طرح نوشته شده در آموزش و پرورش تا آبان ماه، به دلیل اجرایی نشدن طرح، مجبور شدیم مجدداً خودمان به کانال آموزش برگردیم.

اکثر این کودکان سهم کمی از زندگی دارند. برخی از آن‌ها تحت سرپرستی اقوام هستند. کودکان زیر ۱۲ سال که ساعت‌های طولانی را کار می‌کنند، در موضوع «کار کودک» نیستند، نام این فرآیند بردگی است! متأسفانه بسیاری از صاحبان کار از شرایط این کودکان سواستفاده می‌کنند.

حل این مشکل همانند یک زنجیر به هم پیوسته است. آموزش و پرورش باید وارد عمل شود و وزارت کار نیز باید بر کار این کودکان نظارت کند. بخش عمده‌ای از اقتصاد زیرزمینی ما که کالای زیرزمینی تولید می‌کند، بر دوش این کودکان و مهاجرین قرار دارد. تا زمانی که این ساختارها اصلاح نشود و شرایط به نفع کودکان تغییر نکنند، بعید به نظر می‌رسد تغییر تعیین کننده‌ای در سرنوشت آن‌ها به وجود آید.

انجمن حمایت از حقوق کودکان از اولین انجمن‌هایی بود که کار با کودکان مهاجر را آغاز کرد. زمانی که ما موضوع آموزش کودکان کار را در دستور کار قرار دادیم، مهم‌ترین مسئله کودکان را، مسئله تحصیل می‌دانستیم.

زمانی که وارد کار شدیم دانستیم که تحصیل از آخرین مشکلات کودکان کار است. از حقوق اولیه و ابتدایی که کودک برای رشد و بقا به آن نیاز دارد؛ از جمله خانواده‌ای که بتواند از او حمایت کند، بهداشت و تغذیه مناسب، کودکان ما محروم بودند.

عدالت آموزشی در بین کودکان ایرانی نیز در وضع نامناسبی است. در بازدیدی که از مدارس خراسان داشتیم، برخی از مدارس فاقد دستشویی بودند. در چنین شرایطی بحث عدالت آموزشی بحث سنگینی است.

در طرحی که مورد بحث است، کودکانی که دارای کارت بودند، توانستند مدرسه بروند. اما اگر قرار بر داشتن کارت است که پیش از این طرح نیز کودکان دارای کارت می‌توانستند مدرسه بروند. علی‌رغم آن که در قانون آمده است که با این کودکان همانند کودکان ایرانی برخورد شود، برخی از دانش‌آموزان مهاجر به دلیل آن که نتوانستند پاسپورت خود را آماده کنند، مجبور شدند به صورت متفرقه امتحان دهند. به دلیل جو مدرک گرای موجود، برخی از کودکان احساس می‌کردند که عمرشان هدر رفته است و صحبت‌های ما در خصوص یادگیری مطالب جدید و استفاده از امکانات مدارس دولتی نیز اثری روی آن‌ها نداشت.





## حذف تبعیض بین دانش آموزان ایرانی و مهاجر

موانع حقوقی آموزش کودکان مهاجر بسیار است. علی رغم دستور رئیس جمهور در مرداد ۹۳، و فرمان رهبری در اردیبهشت ۹۴، در مرجع ملی حقوق کودک مرتب بحث این بود که کودکان مهاجر نمی توانند درس بخوانند. پس از بازدیدهای میدانی در مراکز آموزشی و گفتگو با NGOها و متخصصین، متوجه شدیم مانع قانونی تحصیل کودکان آیین نامه‌ای بود که در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۱ به تصویب هیئت وزیران رسید و بر مبنای آن، کودکان برای تحصیل نیاز به مدارکی معتبر و قانونی داشتند که صرفاً با آن مدارک ثبت نام می شدند؛ دفترچه پناهندگی، کارت هویت ویژه و گذرنامه. در تبصره‌ای از این آیین نامه آمده است: ثبت نام اتباع خارجی موصوف بدون مدارک معتبر مذکور تحت هر عنوان ممنوع است.

ماده ۲ می گوید: به منظور تهیه یارانه‌های دولت در مورد تحصیل دانش آموزان اتباع خارجی، وزارت آموزش و پرورش مجاز است هنگام ثبت نام دانش آموزان دارای مدارک اقامتی برحسب وضع مالی آنان، از ایشان شهریه دریافت کند. این شهریه ۳۰۰ هزار تومان بود که با توجه به بعد بزرگ خانواده‌های مهاجرین که گاهی تا ۵-۶ فرزند دارند و شغل‌های پایین با درآمد کم دارند، برای آنان مشکل است که این مبلغ را پرداخت کنند.

تبصره ۳ این ماده می گوید: پذیرش دانش آموزان افغانی در مراکز پیش دانشگاهی و سال اول مدارس کاردانش، هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و مدارس شبانه روزی،

ممنوع می باشد.

پس از حدود دو سال تلاش و پیگیری در نهاد ریاست جمهوری در پاییز ۹۳، در ۲۰ تیر ۹۴ پیش نویس آیین نامه را برای هیئت وزیران اصلاح کردیم با دو هدف: اول آن که مشکل داشتن مدارک هویتی و اقامتی کودکان حل شود، دوم مسئله شهریه حل شود.

علاوه بر اصلاح این آیین نامه برای مشکلات مذکور، در پایان ماده ۱، علاوه بر مدارک ذکر شده در آیین نامه، یک کارت حمایت تحصیلی برای کودکان اتباع خارجی، برای ثبت نام در مدارس کافی باشد. ماده ۲ ثبت نام دانش آموزان موضوع در مقاطع تحصیلی تا سطح دیپلم در مدارس همانند سایر دانش آموزان باشد و هیچ شهریه‌ای نیز مزاد بر آن چه دانش آموزان ایرانی نیز می پردازند، گرفته نشود. در واقع اولین قدم حذف تبعیض بین دانش آموزان ایرانی و مهاجر بود. سازمان مدیریت و برنامه ریزی نیز برای بودجه این طرح، برنامه ریزی داشته باشد.

به این ترتیب از لحاظ تئوری و قانونی برای تحصیل کودکان مهاجر مشکلی وجود ندارد، اما هنوز موانع اجرایی زیادی وجود دارد. بیشتر این کودکان در مناطق حاشیه‌ای شهرها و استان‌های محروم زندگی می کنند، جایی که مدارس بسیار ضعیف هستند و شهریه اخذ شده از دانش آموزان سهم زیادی در تقویت این مدارس دارد.

مشکل دیگر بحث فرهنگی است که برخی خانواده‌ها نمی پذیرند که کودکان مهاجر کنارشان زندگی کنند. پیشنهاد می شود کارگروهی متشکل از اداره اتباع، نیروی انتظامی، آموزش و پرورش و سازمان مدیریت و برنامه ریزی تشکیل شود و به ازای هر دانش آموز مهاجری که در مدارس ثبت نام می کنند، بودجه‌ای به مدارس تزریق شود تا هم مشوقی باشد برای مدارس برای ثبت نام بیشتر دانش آموزان مهاجر و هم از نظر اجرایی کمکی برای مدارس باشد.

در کشور ما ۱،۵ می لیون پناهنده مجاز زندگی می کنند. سال گذشته ۳۹۰ هزار دانش آموز مهاجر ثبت نام شدند. طبق گفته مدیرکل اتباع وزارت کشور، ۱،۵ میلیون پناهنده غیرمجاز نیز در کشور وجود دارند. در واقع معادل این آمار کودکانی هستند که مدرسه نمی روند، باید خیلی به فکر باشیم تا بتوانیم بچه‌ها را به مدرسه ببریم. این کار در برابر عواقب مدرسه نرفتن این کودکان، سرمایه‌گذاری بسیار کمی است. به علاوه از ظرفیت این دانش آموزان نیز می توانیم استفاده کنیم.

## امنیت مرزها در آینده

# در گرو رسیدگی به آموزش امروز کودکان مهاجر است

علینقی مشایخی

موسس دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه صنعتی شریف

کودکان مهاجر بدون این که خودشان مقصر باشند شرایطی در کشورشان بوجود آمده است و پدر و مادر این کودکان ناگزیر شدند به کشور ایران آمده و در بین ما زندگی کنند. انسانیت حکم می کند کودکانی که بی تقصیر هستند حداقل از آموزش برخوردار باشند و هرگونه منع و معذوریتی به دلیل این که پدر و مادر این کودکان کارت اقامت گرفته اند یا خیر و منع آموزشی برای این کودکان بوجود بیاید ظلمی در حق این کودکان است.

البته این جنبه انسانی و مهورزی است که می توان عدالت خواهانه با این کودکان معصوم برخورد کرد اما جنبه عقلانی و سیاسی و اقتصادی این مساله هم حکم می کند بچه های کوچکی که اینجا هستند و دوران کودکی خود را می گذرانند با خاطره خوبی از این کشور بروند. آموزش را در کشور ایران ببینند تا افراد مفیدتری برای آینده جامعه خودشان باشند و بعدها دوستان خوبی برای کشور ایران شوند. به این دلایل حق آموزش کودکان مهاجر بسیار مهم است. باید امکانات آموزشی را در حد وسع مان و در حد و اندازه ای که برای کودکان خودمان فراهم کرده ایم برای این کودکان مهاجر نیز فراهم کنیم تا از تحصیل برخوردار باشند. چگونگی برخورد با کودکان مهاجر یک بعد از مساله عدالت آموزشی است. آموزش و پرورش مهم ترین صنعتی است که در کشور وجود دارد و مهم ترین فعالیتی است که نسل بعدی کشور را می سازد. اگر آموزش و پرورش ما ضعیف و فقیر باشد و اگر امکانات لازم به آموزش و پرورش اختصاص داده نشود این یک بی عدالتی نسبت به آینده کشور و نسل بعدی است زیرا کسانی که از سیستم آموزش و پرورش خارج می شوند نیروهای کار بعدی و نیروهای اجتماعی و اقتصادی آینده کشور هستند و اگر منابع کافی به تربیت این افراد اختصاص داده نشود و این افراد از نظر شخصیتی و و فکری و سواد و معلومات ضعیف باشند ما به تدریج نیروی کاری در کشورمان شکل می گیرد که اجتماع ضعیفی را می سازد.

عدالت حکم می کند به وضعیت آموزش و پرورش رسیدگی شود و حتی امنیت کشور با آموزش و پرورش قوی حفظ می شود زیرا معلمان قوی که تعلق خاطر به کار و کشور و آموزش در کشور دارند و تخصص این کار را دارند می توانند کودکانی را تربیت کنند که در آینده امنیت و آبادی کشور را تامین کنند.

بحث دیگری که در حوزه عدالت آموزشی مطرح است این است که چگونه از منابع تخصیصی به حوزه آموزش و پرورش استفاده می شود. اگر یک جنبه این است که توزیع جغرافیایی مناسب نیست یا افراد کم درآمد از آموزش خوبی برخوردار نیستند و غیره اما جریان مهم تری وجود دارد و این که اگر منابعی که صرف آموزش و پرورش می شود که این منابع شامل عمر ۱۱ میلیون دانش آموز است که زمان می گذارند و به مدرسه می روند و همچنین معلم هایی که وقت شان را در آموزش و پرورش می گذارند و بودجه و منابع مالی و امکاناتی است که در اختیار آموزش و پرورش گذاشته می شود و همه این ها منابعی است که وارد آموزش و پرورش می شود. حال اگر با این مجموع منابع ساختار آموزش و پرورش درست نباشد یعنی چارچوب درس ها و برنامه ها مناسب نباشد و شیوه های آموزشی و مدیریتی در سیستم آموزش و پرورش درست نباشد و این منابع خروجی لازم را متناسب با همین منابع بدست نیابند این خود یک بی عدالتی دیگری است که در آموزش اتفاق می افتد.

اگر منابع بدرستی سامان پیدا کرده نباشد و این یک بی عدالتی است و نگران هستیم که این بی عدالتی بسیار عمیق باشد و ما دچار آن شده باشیم. آیا آموزش و پرورش ما از نیروهای معلمین خود استفاده بهینه دارد، آیا محتوای درسی ما غنی است و آیا چارچوب



درسی مدارس ما به گونه ای هست که نیروهایی که از این سیستم خارج می شوند توان فکر کردن و مهارت زندگی کردن برخوردار باشند؟ اگر آنجا مشکل داشته باشیم یک بی عدالتی رخ داده است که به همه آن حوزه های جغرافیایی و درآمدی و غیره تاثیر می گذارد. پس این جنبه بی عدالتی آموزشی بسیار ریشه ای و مهم است. اگر در حوزه های کلان ساماندهی درستی نباشد و در حوزه کلان افراد متفکر جامعه را در حین طراحی و ساماندهی پیاده سازی نکنیم قطعا بی عدالتی سنگین تری رخ خواهد داد.



# حق آموزش باید منجر به نگرش صحیح به زندگی شود

منیره آرزومندی

موسس و مدیرعامل موسسه ایلیا

عدالت آموزشی در سه حوزه مطرح است، اول دسترسی به فرصت آموزش، یعنی هرچقدر که ما می‌خواهیم در حوزه توسعه اجتماعی کار کنیم باید فرصتی فراهم کنیم که انسان‌ها توانایی استفاده از فرصت‌های زندگی خویش را پیدا کرده و فرصت استنتاج و تصمیم‌گیری داشته باشند و این مهم اتفاق نمی‌افتد مگر آن که کودکان به حق آموزش دست پیدا کنند. سواد فقط دسترسی به خواندن و نوشتن نیست چه بسا کسانی که خواندن و نوشتن می‌دانند ولی چون آمادگی نگرش‌های صحیح نسبت به زندگی‌شان ندارند همچنان تصمیم‌های غلط در زندگی می‌گیرند. اگر بخواهیم موضوعات بدون حساب و کتاب طرح کنیم ساده‌ترین راه ایجاد شبهه است. ما در آستانه یک اتفاق بسیار مهم هستیم و آن برداشتن یک مانع بزرگ در برابر حق تحصیل کودکان مهاجر است و این اتفاق بزرگی هست. از اینجا به بعد اگر قرار است اتفاقی بیفتد این است که این کودکان را برای نقش آفرینی در اجتماع‌شان آماده کنیم و اگر قرار باشد ما برویم به این سمت که تسهیل کنیم و اقتدار افزایی کنیم برای کاری که به سمت آن می‌رویم چهار اتفاق مهم باید بیافتد. اولین مولفه اقتدار افزایی دسترسی به اطلاعات و دانش و آگاه‌سازی است. سال گذشته وقتی فرمان مقام معظم رهبری صادر شد به بسیاری از کسانی که باید در جریان خبر قرار می‌گرفتند اطلاعیه دادیم ولی از سوی دیگر هنوز مشکل مهم دیگری داریم و این که بسیاری از والدین این کودکان نگرش‌شان برای حضور فرزندانشان در مدرسه منفی است بنابراین این حوزه اطلاع رسانی فقط به کدام مدرسه بروید و ثبت نام کنید نیست ما در حوزه تغییر نگرش و اصلاح نگرش خانواده‌ها هم مسئولیت برعهده داریم. در واقع به عنوان سازمان‌های مردم نهاد موظف به آمادگی جوامع محلی هستیم و اعزام تیم‌های سیار برای رساندن این خبر یکی از وظایف است. دومین مولفه در بحث اقتدار افزایی جلب مشارکت آموزش و پرورش است. اگر قرار باشد کمیته‌ای تشکیل شود برای پیگیری ثبت نام دانش‌آموزان مهاجر باید از افراد ذینفع و دوستان افغانستانی در این کمیته حضور داشته باشند. همچنین جلب مشارکت کسانی که می‌توانند در این حوزه تاثیر گذار باشند مهم است. سومین مولفه‌ای که در این حوزه باید مدنظر قرار بگیرد ایجاد فرصت برای دسترسی به اطلاعات است. مشکل کودک بازمانده از تحصیل فقط دغدغه آموزش نیست بلکه مواردی وجود دارد که این کودک در کنار پناهنده بودنش معلول است و یا حاشیه نشین است. چهارمین موردی که وجود دارد این است که از توانایی سازمان‌های غیر دولتی بخوبی برای پیشبرد این کار استفاده شود. می‌توان از این سرمایه اجتماعی به خوبی استفاده کرد.





## کودک افغانستانی را می‌توان حافظ و فردوسی کرد

احمد صافی

مشاور شورای عالی آموزش و پرورش

تربیت عبارت‌است از رشد ابعاد وجود انسان. تربیت مراقبت از جریان رشد است و نه دخالت در جریان رشد. دانش‌آموزان این مرز و بوم ایرانی باشند یا افغانستانی یا هندی بالاخره کودک هستند و حق استفاده از موهبت تربیت را دارند.

همه بر این باورند که آموزش حق حیات است پس مرزی وجود ندارد و جنسیت در آن معنا پیدا نمی‌کند رنگ و طبقه‌ای وجود ندارد. حق حیات یعنی همه حق دارند نفس بکشند. نکته بسیار مهم‌تر این که آموزش و پرورش باید تا آخرین لحظه حیات ادامه پیدا کند. در واقع آموزش و پرورش یک سرمایه‌گذاری بلند مدت است که در تمام حیات انسان جاری است. مهم اینست که آموزش و پرورش با زیست انسان پیوند خورده است و هرچه زندگی پیچیده‌تر می‌شود ضرورت آموزش و پرورش افزایش می‌یابد. آموزش و پرورش امری وقت‌گیر است. به سادگی کلمه عدالت را استفاده می‌کنیم.

این کودک افغانستانی را می‌توان فردوسی و حافظ تربیت کرد. کلاس‌های افغانستانی‌ها را در پاکستان دیده‌ام که کنار کودکان پاکستانی سایر مهاجرین هم تحصیل می‌کنند. فرهنگ کشور ما و کشور افغانستان اشتراکات بسیاری را دارد. تعلیمات اجباری برای همه باید وجود داشته باشد. در همین ارتباط پیشنهاد می‌کنم نگاهی به سیستم بیان‌دازیم. هیچ سازمانی نمی‌تواند به تنهایی مدعی توجه جدی به این سرمایه انسانی در ابعاد مختلف باشد. انسان در محیط تربیت می‌شود که یکی از این محیط‌ها مدرسه است. پس باید مدرسه را دریافت.

از جمله اختیار شورای عالی آموزش و پرورش باید در این زمینه استفاده کرد. بعد از آن از شوراهای عالی استان‌ها استفاده کرد برای سازماندهی بهتر این مساله می‌توان استفاده کرد. آگاهی به قوانین یعنی استفاده از فرصت، پس از اختیارات این افراد باید استفاده کرد.

مساله دیگر استفاده از بازنشستگان آموزش و پرورش است، ۵۲ درصد بازنشستگان کشور در وزارت آموزش و پرورش هستند. زمان و فکر دارند و آموزش و پرورش می‌دانند. پس از این افراد برای انسداد بی‌سواد و تقویت دوره ابتدایی می‌توان استفاده کرد. از خدمات مشاوره‌ای این قشر می‌توان برای رسیدن به حق تحصیل کودکان استفاده کرد.



# میثاق نامه

به نام او، که دانا و تواناست

اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ

همایش «عدالت آموزشی و کودکان مهاجر»

دانشگاه شریف ۲۷ اردیبهشت ۹۵

ما امضاکنندگان، متعهد می شویم که ظرف یک سال آینده برای ارتقای دغدغه مندی مردم و سیاست گذاران درباره مفاد این بیانیه و نیز برای اجرایی شدن بندهای مختلف آن، در حد توان خود تلاش کنیم:

علینقی بکی  
۱۳۹۵، ۲، ۲۷

باقرزاده  
سیاحتی

محمدرضا کرسونگر  
۹۵، ۲، ۲۷

رضا رفیعی  
۹۵، ۲، ۲۷

سید علی آشتی اصل  
۹۵، ۲، ۲۷

پیمان  
۹۵، ۲، ۲۷

مهدی

پیمان

پیمان

پیمان

خداوند علیم را به خاطر توفیق برگزاری اولین همایش ماهانه «توسعه و عدالت آموزشی» در سال ۹۵ با موضوع «عدالت آموزشی و کودکان مهاجر»، شکرگزاریم. امی‌داست برگزاری این همایش، به‌منزله می‌ثاقی محکم بوده و بتواند همدلی هر چه بیشتر ن‌هادهای دولتی و غیردولتی را در زمینه چشم‌انداز دبیرخانه دایمی «توسعه و عدالت آموزشی» یعنی «تضمین دسترسی به آموزش باکیفیت و رایگان برای کلیه کودکان در معرض تبعیض» راه به دنبال داشته باشد.

این همایش، به بهانه سالگرد فرمان تاریخی مقام معظم رهبری در ۲۷ اردیبهشت سال ۱۳۹۴ درباره توسعه عدالت آموزشی کودکان مهاجر برگزار شد، فرمانی که بدون تردید سندی بین‌المللی و ماندگار در تاکید بر آرمان‌های نوع‌دوستانه مذهبی، اخلاقی و ملی ما محسوب می‌شود. همچنین در صورت فراهم شدن هر چه سریع‌تر مقدمات اجرای این فرمان حکیمانه، قطعاً منافع اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و نیز دیپلماتیک ارزشمندی نصیب کشور خواهد شد.

از سوی دیگر، تاکید رهبری بر توسعه عدالت آموزشی کودکان مهاجر فاقد مدارک قانونی حضور در ایران، به طریق اولی برای کودکان ایرانی فاقد شناسنامه و سایر کودکان ایرانی محروم از آموزش باکیفیت نیز، مصداق خواهد داشت. بنابر این ما شرکت‌کنندگان این کنفرانس، ضمن حمایت از فرمان تاریخی مقام معظم رهبری، از گروه‌های مختلف مردم و سیاست‌گذاران خواستاریم که با اقدامات اجرایی زیر، به اجرای شدن این فرمان ارزشمند کمک کنند:

**الف-** ثبت سالروز صدور فرمان مقام معظم رهبری، به‌عنوان روز «توسعه عدالت آموزشی» در تقویم رسمی کشور

**ب-** مشارکت کلیه رسانه‌ها به‌ویژه «رسانه ملی»، در اطلاع‌رسانی «ملی» و «بین‌المللی» درباره نقاط قوت و ضعف برنامه‌های انجام‌شده در راستای فرمان مقام

معظم‌رهبری

**پ-** حذف کلیه قوانین ناظر به دریافت مبالغی تحت عنوان شهریه (یا بیمه یا امثالهم) از دانش‌آموزان مهاجر

**ت-** مشارکت اجرایی و مالی بنیادهای انقلابی و ن‌هادهای حاکمیتی تحت نظارت مقام معظم رهبری، به‌منظور اجرایی شدن هر چه سریع‌تر دستور مقام معظم رهبری درباره برخورداری کلیه کودکان مهاجر از حق تحصیل رایگان

**ث-** مشارکت دستگاه‌های اجرایی مرتبط به‌ویژه شورایی عالی آموزش و پرورش، مجلس شورای اسلامی، شورایی عالی امنیت ملی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، اداره کل اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور، استانداری‌ها، وزارت دادگستری، مرجع ملی حقوق کودک و سازمان ثبت احوال، در رفع موانع قانونی یکسان‌سازی حق تحصیل کودکان پناهنده و طراحی و تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی مربوطه، تا ۲۷ اردیبهشت ۹۵ (سالروز صدور فرمان مقام معظم رهبری)

**ج-** مشارکت ن‌ادهای فوق در تکمیل بانک‌های اطلاعاتی موجود «کودکان ایرانی فاقد شناسنامه» و «کودکان افغانستانی فاقد مدارک هویتی»، در کنار طراحی آیین‌نامه‌های لازم برای صدور فوری «کارت هویت تحصیلی» جهت ثبت‌نام رایگان کلیه کودکان فاقد شناسنامه در مدارس دولتی، و ارایه گزارش اقدامات در ۲۷ اردیبهشت ۹۵

به امی‌د توفیق در کمک به توسعه ایرانی آباد و پر نشاط / دبیرخانه دایمی کنفرانس «توسعه و عدالت آموزشی»

ما امضاکنندگان، متعهد می‌شویم که ظرف یک سال آینده برای ارتقای دغدغه‌مندی مردم و سیاست‌گذاران درباره مفاد این بیانیه و نیز برای اجرایی شدن بندهای مختلف آن، در حد توان خود تلاش کنیم.

### بخشی از امضاکنندگان اولیه



# همایش عدالت آموزشی و کودکان مهاجر در آینه رسانه‌ها



افغانستان  
AFGHANISTAN

خبرگزاری فارس

در اولین سالگرد فرمان رهبر ایران درباره تحصیل کودکان مهاجر تاکید شد  
برگزاری اولین نشست عدالت آموزشی و کودکان مهاجر/میثاق‌نامه بهبود وضعیت کودکان مهاجر آماده  
شود



© تاریخ: ۱۷:۱۹ - ۱۳۹۵/۰۲/۲۷ کدخبر: ۱۳۹۵۰۲۲۷۰۰۱۳۹۶



Photo: امید وخت رانه

Fars News Agency

در اولین سالگرد فرمان رهبر ایران  
درباره تحصیل کودکان مهاجر عدالت  
آموزشی و کودکان مهاجر بررسی و تاکید  
شد که فساد فقیر را فقیرتر و غنی را  
غنی‌تر می‌کند لذا باید با آموزش فساد را  
از بین برد.

به گزارش خبرنگار سایت افغانستان خبرگزاری فارس، «نشست عدالت آموزشی و کودکان مهاجر» به مناسبت اولین سالگرد فرمان مقام معظم رهبری  
در خصوص عدالت آموزشی برای کودکان مهاجر که بعدازظهر دوشنبه ۲۷ اردیبهشت/تور در تالار مشایخی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی  
شریف برگزار شد.



در نخستین همایش ماهانه «توسعه و عدالت آموزشی» با موضوع عدالت آموزشی و کودکان مهاجر

# ۴۱ درصد مهاجران خارجی بی سوادند

۴۱ درصد پروتی کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل اند | هنوز گرفتن شهریه از دانش آموزان افغان میوه است

امداد اجتماعی خراسان در حالی که در حال برگزاری است، به گزارش خبرنگار شهنورد، در جلسه (مجلس خبرگان) با حضور مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد.

۴۱ درصد مهاجران خارجی بی سوادند  
در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد. در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد.



گزارش: در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد. در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد.

گزارش: در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد. در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد.

گزارش: در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد. در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد.

گزارش: در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد. در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد.

گزارش: در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد. در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد.

گزارش: در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد. در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد.

گزارش: در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد. در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد.

گزارش: در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد. در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد.

گزارش: در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد. در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد.

گزارش: در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد. در این جلسه، مسئولان کانون املاح و تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، گزارشی در خصوص وضعیت آموزشی و فرهنگی این کودکان در خراسان ارائه شد.

رویکردهای آمیتی برای جلوگیری از آموزش مهاجران درست نیست، مخالفت با کوچک سازی دولت



رئیس هیات مدیره شبکه بازرگانی کاز و هیاتوزار

چرا مشارکت والدین در مدارس اجباری است؟ ابهام در رایگان بودن شهریه کودکان افغان



معاون امور اتباع و مهاجران وزارت معارف

حضور یک و نیم میلیون مهاجر غیر مجاز در ایران، نگاه آمیتی به موضوع پناهندگان نداریم



رئیس هیات مدیره شبکه بازرگانی کاز و هیاتوزار

خبرگزاری دانشگانه آژانس آنا Azad News Agency (ANA)



رئیس هیات مدیره شبکه بازرگانی کاز و هیاتوزار





اندام از نظر عملیاتی مسر نیست



انظر عملیاتی که در نظر من کار بسیار دشوار است و باید این امری مستند و عمومی که در کارش دیده هر عمل کارش برهانی امری است، باید داشته است. مستند بودن، تشخیصی است که در نظر من کار بسیار دشوار است و باید این امری مستند و عمومی که در کارش دیده هر عمل کارش برهانی امری است، باید داشته است.



حیطه امنیت و انتظامی و سیاسی ما حیطه انسانی و اجتماعی قریب دارد  
حق آموزش و حقوقی از این قبیل برعهده نظام حکمرانی است



استاد جهانگیری در بیانیه خود نوشته است که آموزش و پرورش ۱۵۰۰ واحد اعتبارات داشته است که در ۱۳۹۳ سال گذشته و در سال ۱۳۹۲ نیز ۱۳۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است.

و اما این واقعیت است که در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است.

حیطه امنیت و انتظامی و سیاسی ما حیطه انسانی و اجتماعی قریب دارد. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است.

عدم اشتغال بخشی از نیروی انسانی در بخش های دولتی و خصوصی، کاهش سطح معیشت، افزایش فقر و محرومیت، کاهش سطح معیشت، افزایش فقر و محرومیت، کاهش سطح معیشت، افزایش فقر و محرومیت.

این امر موجب شده است که در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است.

این امر موجب شده است که در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است. این یعنی در هر سال ۱۰۰۰ واحد اعتبارات داشته است.

خبرگزاری فارس افغانستان

میثاقنامه عدالت آموزشی و کودکان پناهجو امضاء شد

تاریخ: ۱۳۹۵/۰۲/۲۸ - کدخبر: ۱۳۹۵۰۲۲۸۰۰۰۲۶۶



به مناسبت اولین سالگرد فرمان رهبر انقلاب ایران در خصوص عدالت آموزشی برای کودکان مهاجر، فعالان عرصه اجتماعی میثاقنامه‌ای را جهت حمایت از کودکان مهاجر قرائت و آن را امضاء کردند.

به گزارش خبرنگاران سایت افغانستان خبرگزاری فارس در مراسم «تسبیح عدالت آموزشی و کودکان مهاجر» به مناسبت اولین سالگرد فرمان رهبر انقلاب ایران در خصوص عدالت آموزشی برای کودکان مهاجر که در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد فعالان عرصه اجتماعی میثاقنامه‌ای را جهت حمایت از کودکان مهاجر قرائت و آن را امضاء کردند.









**موسسه مطالعاتی «حامیان فردا»:**

تهران، خیابان دماوند، حد فاصل خیابان آیت و خیابان خاقانی  
ساختمان اداری دماوند، پلاک ۵۱۱، طبقه ۸، واحد ۷۳

**تلفکس:** ۷۷۹۴۱۰۷۷ - ۰۲۱

**سایت رسمی:** [www.hamianefarda.com](http://www.hamianefarda.com)

**ارتباط با ما:** [info@hamianefarda.com](mailto:info@hamianefarda.com)

**کانال تلگرام:** [@hamianefarda](https://t.me/hamianefarda)